

بررسی مقایسه‌ای هوش هیجانی بین دختران نوجوان در خانواده و در مراکز شبه‌خانواده شهر تهران

ملیحه عرشی: دکترای مددکاری اجتماعی، عضو هیات علمی گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهریتی و توانبخشی تهران، ایران
معصومه صیاد*: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهریتی و توانبخشی، تهران، ایران. su.sayad93@yahoo.com
عذرا فرمانی: دانشجوی دکترا، گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهریتی و توانبخشی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌های هوش هیجانی بین دختران نوجوانی که در خانواده و در مراکز شبه‌خانواده بهزیستی در شهر تهران زندگی می‌کنند، می‌باشد.

روش: این پژوهش با روش پیمایش تحلیلی انجام گرفته و از انواع مطالعات علی‌مقایسه‌ای می‌باشد که هوش هیجانی را

در دو گروه ذکر شده مقایسه می‌نماید. نمونه آماری دختران نوجوان ساکن ۱۰ مرکز شبه‌خانواده شهر تهران در سنین ۱۴ الی ۱۸ سال بودند که تعداد کل آن‌ها در زمان تحقیق، ۴۶ نفر بوده است و به علت محدودیت تعداد از روش تمام‌شماری برای انتخاب نمونه استفاده شد. نمونه آماری گروه مقایسه‌ای این پژوهش ۷۰ نفر از دختران نوجوان ۱۴ تا ۱۸ سال شهر تهران می‌باشد که به روش نمونه‌گیری مضاعف انتخاب شد این دو گروه از لحاظ سن همگن شدند. در این پژوهش ابزار اندازه‌گیری هوش هیجانی پرسشنامه‌ی بار-ان (۱۹۹۸) می‌باشد که توسط سموعی و همکاران (۱۳۸۲) در ایران هنجاریابی شده است.

نتایج: دختران در مراکز شبه‌خانواده با دختران در خانواده در خرده مقیاس‌های حل مسئله، احساس خوشبختی، استقلال، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، روابط بینفردی، خوش‌بینی، همدلی و خود ابرازی تفاوت‌های معناداری داشتند، اما در شاخص تحمل فشار تفاوت معناداری نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: در این تحقیق، میزان کل هوش هیجانی در دختران مراکز شبه‌خانواده به طور معناداری پایین‌تر از دختران خانواده می‌باشد. مولفه‌های هوش هیجانی و مهارت‌های شناخت و کنترل احساس از طریق آموزش قابل ارتقاء می‌باشند. بنابراین برنامه‌ریزی در این راستا می‌تواند به دختران ساکن در شبه‌خانواده برای کیفیت زندگی مطلوب‌تر کمک نماید.

واژگان کلیدی

هوش هیجانی

مراکز شبه‌خانواده

خانواده

بار-ان

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۳

ملیحه عرشی، معصومه صیاد، عذرا فرمانی. بررسی مقایسه‌های هوش هیجانی بین دختران نوجوان در خانواده و در مراکز شبه‌خانواده شهر تهران. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳؛ ۳ (۳): ۴۷-۳۹

نحوه استناد به مقاله:

A Comparative Study of Emotional Intelligence Among Adolescent Girls in the Family and in the Foster Care Institution in Tehran

Malihe Arshi: Ph.D of social work and faculty member of University of social welfare and rehabilitation science

Masume Sayad*: M.A. student of social work, University of social welfare and rehabilitation science

Ozra Farmani: Ph.D. student of social work, University of social welfare and rehabilitation science

Abstract

Introduction: Emotional intelligence is one kind of intelligence that considered important. The purpose of this study is to compare the emotional intelligence among adolescent girls in the family and foster care institution in Tehran. The causal comparative method was used.

Methodology: In this research the causal comparative method was used. The statistical sample of control group was 70 and study group was 46. The Bar-On questionnaire (1998) was used to assess emotional intelligence of adolescent girls. This questionnaire have normalized in Iran by Samooie et al. (1382) and include 5 scale and 15 subscales.

Results: The study and control group didn't have significant differences in stress tolerance but in interpersonal, intrapersonal, happiness scales, girls who live in foster care institution get lower scores. There was also significant difference in subscale such as problem-solving, happiness, independent, assertiveness, optimism, empathy, interpersonal relationship and self-actualization. In this study total score of emotional intelligence was lower in girls who live in foster care institution in comparison with girls who live in family.

Conclusions: Component of emotional intelligence can be promoted by training. So planning in this regard could help girls who live in foster care institution experiencing better quality of life.

Keywords

Emotional Intelligence

Foster Care Institution

Family

Bar-On

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 11 Nov 2014
Accepted: 4 Dec 2014

Please cite this article as follows:

Arshi M, Sayad M, Farmani O. A comparative study of emotional intelligence among adolescent girls in the family and in the foster care institution in tehran. Quarterly journal of social work. 2014; 3 (3); 39-47

مقدمه

خانواده اولین نهاد اجتماعی است که در تمام جوامع بشری با الگوهای متفاوت وجود دارد که برای رفع نیازهای حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت دارد. خانواده دارای کارکرد های فراوانی است و به واسطه کارکرد تعلیم و تربیت که یکی از مهمترین کارکردهای آن است در شکل گیری رفتارهای هر شخص، طرحواره ها و شناخت های او از خود، اطرافیان و محیط نقش مهمی دارد (صمدی و رضایی، ۱۳۸۸؛ شریفی، ۱۳۷۸؛ بهرامی، ۱۳۷۸).

خانواده بر سلامت نوجوانان نقش اساسی دارد. گرچه در دوره ی نوجوانی به دلیل برخی ویژگی های تکاملی نوجوانان، از جمله ارتباطات بیشتر با گروه همسالان، استقلال خواهی و آرمان گرایی ارتباط نوجوان با خانواده کمتر می شود اما حتی همین روند تکاملی نیز در سایه ی خانواده و بستری که خانواده برای پرورش و تکامل نوجوان فراهم می کند، صورت می گیرد (پرویزی و همکاران، ۱۳۸۵).

عمده ی پژوهش های انجام شده همبستگی بین هوش هیجانی و سبک دلبستگی (ذراتی و همکاران، ۱۳۸۵؛ بکندام، ۲۰۰۱) و عوامل خانوادگی (صبری و همکاران، ۱۳۹۲؛ میهالا، ۲۰۱۴؛ حدادی و همکاران، ۱۳۸۵) رفتارهای انحرافی (اصغر نژاد و همکاران، ۱۳۸۴؛ تمنایی فر و همکاران، ۱۳۹۱) را تایید کرده اند.

نتایج فرا تحلیل جمالی و همکاران (۱۳۸۹) بر رابطه ی هوش هیجانی و سلامت روان نشان می دهد که هوش هیجانی بالاتر ارتباط معناداری با سلامت روان بهتر دارد. تحقیقات مختلف نشان داده اند که بین سبک دلبستگی و هوش هیجانی رابطه وجود دارد. طبق نتایج این تحقیقات

کودکانی که رابطه دلبستگی ایمن داشته اند، از نظر هیجانی خود را بیان می کنند، درک بهتری از هیجان ها دارند و در مقایسه با کودکان ناایمن، در تنظیم هیجان دارای توانایی بیشتری هستند. پژوهشگران بیان کردند که میزان نسبتا بالای هوش هیجانی، یکی از خصایص افرادی است که رابطه ی دلبستگی ایمن داشته اند (بار-ان و پارکر، ۲۰۰۰؛ ذراتی، امین یزدی و آزاد فلاح، ۱۳۸۵). در دنیای امروزی و با زندگی های پر مشغله که خانواده ها گرفتار آن هستند وقت والدین بسیار با ارزش و محدود است و موانع زیادی وجود دارد که باعث می شود والدین از نوجوانان خود غافل شوند. از جمله مواردی که می توان در تربیت فرزندان و در واقع فرزندپروری در چنین شرایطی بهره مند شد هوش هیجانی و پرورش آن است (کاووسی، ۱۳۸۷).

مفهوم هوش هیجانی به دلیل جایگاه و اهمیت هیجان در زندگی فردی و اجتماعی و ضرورت آن در حفظ سلامت روان مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته و پژوهش های متعددی به بررسی این موضوع و پیامدهای آن پرداخته اند (تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷؛ یوسفی و صفری، ۱۳۸۸؛ ویدال و همکاران، ۲۰۱۰).

مفهوم هوش هیجانی در سال ۱۹۹۰ مطرح شد و تعاریف گوناگونی توسط محققان در این زمینه ارائه گردیده است (خائف الهی، ۱۳۸۲؛ اکبرزاده، ۱۳۸۳). گلمن (۱۹۹۵) معتقد است هوش هیجانی شامل خود آگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه است (به نقل از صبری و همکاران، ۱۳۹۲). اما یکی از تعاریف جامع هوش هیجانی که در این پژوهش نیز به آن پرداخته شده است تعریفی است که بار-ان از هوش هیجانی دارد. به عقیده بار-ان هوش هیجانی یک سازه چند عاملی است که از توانایی به هم پیوسته، مشخص و اجتماعی تشکیل شده که ما را در رویارویی با مقتضیات زندگی روزمره یاری می دهد. توانایی اساسی هیجانی شخصی و اجتماعی که ساختار این سازه را ایجاد می کند و عبارتند از: حرمت نفس، خود آگاهی عاطفی، جرات مندی و تحمل استرس، کنترل تکانه، واقعیت آزمایی، انعطاف پذیری، حل مسئله، همدلی و روابط بین فردی. افرادی که تعداد بیشتری از مولفه های این پنج حیطه را در خود بیابند هوش هیجانی بالاتری داشته و از سلامت روانی برخوردارند (خسرو جاوید، ۱۳۸۱؛ آقابابایی، ۱۳۸۶).

اکس ترمرا و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که هوش هیجانی بر کیفیت زندگی بر اساس سلامت در زمینه های اجتماعی، جسمی و روانی می تواند موثر باشد. نتایج برخی پژوهش ها بر روی جوانان حاکی از آن است که بین هوش هیجانی و مشکلات رفتاری ارتباط منفی وجود دارد. هر اندازه جوانان بتوانند هیجانات خود را بهتر مدیریت کنند و از مهارت های اجتماعی

بالا تری برخوردار باشند، مشکلات رفتاری کمتری نظیر پرخاشگری، بزهکاری و غیره در آن‌ها مشاهده می‌شود و در زمینه‌های حرف‌های و خانوادگی عملکرد بهتری خواهند داشت (تمنایی فر، ۱۳۸۶ به نقل از کاووسی، ۱۳۸۷).

در مورد نوجوانان نیز، نوجوانانی که قادر به کنترل هیجانات خود هستند، از حمایت اجتماعی بیشتر و احساس رضایتمندی بهتری برخوردارند و آن‌هایی که هوش هیجانی پایینی دارند در مواجهه با استرس‌زاهای زندگی، سازگاری و انطباق ضعیف‌تری خواهند داشت. گلמן بر اساس مطالعاتش نشان داد که هوش هیجانی را می‌توان در گروه‌ها و افراد با سنین مختلف پرورش داد و والدین نیز با به کارگیری روش‌های فرزندپروری در این راستا نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در واقع نوجوانی یک نوع فرآیند و جریان است نه محصول نهایی بچه‌ها در این مسیر با سرعت عبور می‌کنند و والدین وظیفه دارند در این مسیر آن‌ها را کمک کنند تا نوجوانانشان به هدف اصلی یعنی رسیدن به بزرگسالی برخوردار از هوش هیجانی نائل شوند (کاووسی، ۱۳۸۷).

اما برخی از نوجوانان به دو علل عمده عوامل طبیعی مثل مرگ و میر والدین یا عوامل غیر طبیعی مثل عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی و به لحاظ کارکرد و انجام درست و صحیح وظایف خانواده و اجتماع به موسسات شبانه‌روزی سپرده می‌شوند (صنعتی نیا، ۱۳۷۰).

این نوجوانان از خانواده‌هایی هستند که نظام روابط در آن‌ها دچار عدم تعادل شده است و نوجوانان در مواردی از جمله فقدان والدین، رفتارهای ضد اجتماعی، جدایی والدین و مواردی نظیر آن را تجربه کرده‌اند (خسرو جاوید، ۱۳۸۱).

تأثیر عوامل محیطی بر رشد اجتماعی-روانی و هوش کودکان بی‌سرپرست مدت‌ها مورد بررسی روانشناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. زندگی این افراد در موسسات و مراکزی به نام پرورشگاه دارای ابعاد ناهنجار مختلفی است که هریک به طور جداگانه‌ای محل بررسی می‌باشد. در کنار تحقیقات مختلف پیرامون زندگی در مراکز شبانه‌روزی در واقع آنچه به عنوان هسته اصلی ضایعات می‌توان شناخت محیط نامساعد عاطفی است که نهایتاً رشد نامساعد شناختی، هوشی، عاطفی و اجتماعی به ارمغان می‌آورد.

کودکان در موسسات با مشکلات زیادی از جمله مشکلات تغذیه‌ای، پزشکی، مشکلات مربوط به خواب، مشکلات مربوط به همسالان مواجه هستند. در نهایت به نظر می‌رسد موسسات جای مناسبی برای نگهداری کودکان نمی‌باشد و در این گونه مکان‌ها رشد کودکان به لحاظ اجتماعی و روانی با مشکل مواجه می‌شود (چاووشی فر، ۱۳۷۹). در صورتی که رشد هیجانی آن‌ها برای همکاری، مشارکت در کار، تصمیم‌گیری‌های مسئولانه، مقاومت در مقابل فشار گروه‌های هم‌سن و نفوذ وسایل ارتباط جمعی و به طور کلی برای مقابله صحیح با بحران‌ها، حل تعارضات و بهبود ارتباطات و بهداشت روانی نوجوانان نیاز است (کاووسی، ۱۳۸۷).

لذا با توجه به اهمیت و نقش تعیین کننده کنترل و تنظیم هیجان‌ها در برقراری روابط بین فردی و کسب موفقیت و به طور کلی جنبه‌های کارکردی هیجان در سلامت جسمی و روانی انسان و نیز با عنایت به اینکه نوجوان باید در محیط مناسب خانواده در کنار والدین و یا محیطی مشابه آن قرار گیرد که پرورش هوش هیجانی وی به طور موثر اتفاق بیافتد. بررسی دقیق‌تر این مولفه در نوجوانان به ویژه نوجوانانی که در موسسات شبه‌خانواده نگهداری می‌شوند حائز اهمیت است تا بتوان برنامه‌ها و نظریات دقیقی را در خصوص نحوه نگهداری کودکان در موسسات ارائه نمود. بر این اساس هدف مقاله حاضر آن است که تفاوت مولفه‌های هوش هیجانی در نوجوانان دفتر مراکز شبه خانواده و نوجوانان دختر داخل خانواده را مورد ارزیابی قرار دهد.

روش

این پژوهش با روش پیمایشی از دسته مطالعات علی مقایسه‌ای است که هوش هیجانی را در دختران نوجوانی که در مراکز شبه خانواده زندگی می‌کنند و دختران نوجوانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند، با استفاده از ارزیابی

مقایسه‌های مورد بررسی قرار داده‌است.

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری گروه مقایسه‌ای این پژوهش شامل کلیه دختران نوجوان سنین ۱۴ تا ۱۸ سال شهر تهران می‌باشد. جامعه آماری گروه مطالعه دختران نوجوان ساکن ۱۰ مرکز شبه‌خانواده شهر تهران در سنین ۱۴ الی ۱۸ سال است که تعداد آن‌ها در زمان انجام تحقیق، ۴۶ نفر بوده است. در بررسی گروه مطالعه این تحقیق نمونه‌گیری انجام نشد، بلکه به علت محدودیت تعداد، کلیه نوجوانان دختر سنین ۱۴ الی ۱۸ سال مراکز شبه‌خانواده شهر تهران که ۴۶ نفر بودند مورد مطالعه قرار گرفتند و روش انتخاب نمونه تمام‌شماری بوده است. در بررسی گروه گواه از روش نمونه‌گیری مضاعف استفاده شد که از هر دو روش نمونه‌گیری منطقه‌ای و نمونه‌گیری چند مرحله‌ای (خوشه‌ای) استفاده شده است. نمونه‌ی گروه مقایسه ۷۰ نفر به صورت نمونه‌گیری مضاعف می‌باشد که از هر دو روش چند مرحله‌ای و خوشه‌ای استفاده شده است، بدین ترتیب که در مرحله‌ی اول شهر تهران از نظر مناطق بیست و دو گانه به ۵ بخش شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد و در مرحله‌ی بعدی از هر منطقه ۳ مدرسه به طور تصادفی و از هر مدرسه دو کلاس و از هر کلاس با انتساب اعداد تصادفی نمونه انتخاب شد. همچنین در انتخاب پایه تحصیلی نسبت سن دانش آموزان نیز مد نظر گرفته شد.

ابزار سنجش پژوهش: آزمون هوش هیجانی بار-ان دارای ۱۱۷ سوال و ۱۵ مقیاس می‌باشد که توسط بار-ان بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور که ۴۸/۸ درصد آنان مرد و ۵۱/۲ درصد آنان زن بودند (۱۹۹۸)، اجرا شد و به طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید و نتایج هنجاریابی نشان داد که آزمون از حد مناسبی از اعتبار

و روایی برخوردار است (به نقل از سموعی و همکاران، ۱۳۸۲). این پرسشنامه در سال ۱۳۸۲ بر روی دانشجویان دانشگاه اصفهان توسط سموعی و همکاران هنجاریابی شده و تعداد سوالات در پرسشنامه به ۹۰ سوال (گویه) تقلیل یافت. این پرسشنامه دارای ۱۵ خرده مقیاس و ۵ مقیاس اصلی است که به روش ۵ درجه‌ای در طیف لیکرت نمره گذاری می‌شود. خرده مقیاس‌های هوش هیجانی در تست بار-ان عبارتند از: حل مسئله، خوشبختی، استقلال، تحمل فشار روانی، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، واقعگرایی، روابط بین فردی، خوش بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری، همدلی و خود ابرازی. در این آزمون برای هر مقیاس حداقل نمره، ۶ و حداکثر نمره، ۳۰ در نظر گرفته شده است. میانه مقیاس ۱۸ است. برای کل آزمون حداقل ۹۰ و حداکثر نمره ۴۵۰ می‌باشد و میانه نمره کل آزمون ۲۷۰ است. از آنجا که گزینه‌ها بر روی یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند، نمره گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) و در بعضی سوالات با محتوای منفی یا معکوس که در جدول زیر با علامت ستاره مشخص شده‌اند از ۱ به ۵ (کاملاً موافقم ۱ و کاملاً مخالفم ۵) انجام می‌شود.

جدول (۱) گویه‌ها، خرده‌مقیاس‌ها و شاخص‌های مقیاس هوش هیجانی بار-ان			
مقیاس کلی	شاخص‌ها	خرده مقیاس‌ها	گویه‌ها
	درون فردی (۳۰ گویه)	۱.خود آگاهی هیجانی	۶، ۲۱، ۳۶، ۵۱، ۶۶، ۸۱
		۲.خود شکوفایی	۵، ۲۰، ۳۵، ۵۰، ۶۵، ۸۰
		۳.عزت نفس	۱۰، ۲۵، ۴۰، ۵۵، ۷۰، ۸۵
		۴.خود ابرازی	۱۵، ۳۰، ۴۵، ۶۰، ۷۸، ۹۰
		۵.استقلال	۳، ۱۸، ۳۳، ۴۸، ۶۳، ۷۸
هوش هیجانی (۹۰ گویه)	بین فردی (۱۸ گویه)	۶.همدلی	۱۴، ۲۹، ۴۴، ۵۹، ۷۴، ۸۹
		۷.روابط بین فردی	۸، ۲۳، ۳۸، ۵۳، ۶۸، ۸۳
		۸.مسئولیت پذیری	۱۳، ۲۸، ۴۳، ۵۸، ۷۳، ۸۸
	سازگاری (۱۸ گویه)	۹.حل مسئله	۱، ۱۶، ۳۱، ۴۶، ۶۱، ۷۶
		۱۰.واقع گرایی	۷، ۲۲، ۳۷، ۵۲، ۶۷، ۸۲
		۱۱.انعطاف پذیری	۱۲، ۲۷، ۴۲، ۵۷، ۷۲، ۸۷
	تحمل فشار (۱۲ گویه)	۱۲.تحمل فشار روانی	۴، ۱۹، ۳۴، ۴۹، ۶۴، ۷۹
		۱۳.کنترل تکانش	۱۱، ۲۶، ۴۱، ۵۶، ۷۱، ۸۶
	خلق عمومی (۱۲ سوال)	۱۴.خوشبختی	۲، ۱۷، ۳۲، ۴۷، ۶۲، ۷۷
		۱۵.خوش بینی	۹، ۲۴، ۳۹، ۵۴، ۶۹، ۸۴

میزان پایایی کل آزمون از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۴ می‌باشد. در تحقیق هنجاریابی آزمون که توسط سموعی و همکاران انجام گرفته

۰/۷۷ بیشترین همبستگی درونی را نشان داده‌اند. در اکثر مقیاس‌ها در هر دو پژوهش همبستگی درونی بالاتر از ۰/۶ بین هر خرده مقیاس با کل آزمون نشان داده شده است.

این میزان ۰/۹۳ بدست آمده است. میزان همبستگی درونی در تحقیق سموعی و همکاران بین مقیاس همدلی ۰/۲ کمترین همبستگی و در مقیاس عزت نفس ۰/۸ بالاترین همبستگی درونی را نشان داده است. در این تحقیق کنترل تکانش ۰/۳ کمترین و خوش بینی و خوشبختی

یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه و مقایسه از لحاظ چند ویژگی سن، تحصیلات و نداشتن اختلال یادگیری و روانی همگن سازی شدند. میانگین سنی پاسخگویان در گروه مطالعه ۱۶/۴۱ با انحراف معیار ۱/۱۷ و در گروه مقایسه ۱۶/۳۶ با انحراف معیار ۱/۱۴ می‌باشد. در گروه نوجوانان شبه خانواده میانگین تحصیلات ۹/۳۶ با انحراف معیار ۱/۸۰ و در گروه نوجوانان خانواده میانگین تحصیلات ۱۰/۹۴ با انحراف معیار ۰/۸۶ می‌باشد.

در جدول ۲ مقادیر میانگین و انحراف معیار نمرات نوجوانان دختر دو گروه مطالعه و مقایسه آورده شده است. تفاوت نمرات دختران دو گروه با آزمون تفاوت t سنجیده شده است که نتایج آن بصورت زیر است.

از ۱۵ خرده مقیاس فقط در تحمل فشار روانی، واقع گرایی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری و مسئولیت پذیری تفاوت معنادار داشتند و در بقیه تفاوت معنادار بود و دخترانی که در خانواده زندگی می‌کردند میانگین بالاتری داشتند.

جدول ۳ نشانگر نتایج آزمون تفاوت بین نوجوانان دختر شبه خانواده با نوجوانان دختر از نظر شاخص‌های اصلی هوش هیجانی است.

دخترانی که در مراکز شبه خانواده زندگی می‌کنند در مقایسه با دخترانی که با خانواده زندگی می‌کنند از نظر شاخص تحمل فشار تفاوت معناداری نداشته‌اند. لیکن این دو گروه دختران با احتمال ۹۹ درصد از نظر میانگین نمره شاخص درون فردی، شاخص بین فردی و شادکامی، تفاوت معنادار داشته‌اند. میانگین نمره پایین تر در هر سه مقیاس مربوط به دختران شبه خانواده است. در شاخص سازگاری دختران شبه خانواده با احتمال ۹۵ درصد میانگین نمره پایین تری داشته‌اند.

جدول ۴ نشانگر نتایج آزمون تفاوت میانگین نمره کل هوش هیجانی نوجوانان دختر مراکز شبه خانواده با نوجوانان دختر خانواده است.

مقدار t حاصل از بررسی تفاوت میانگین نمره کل

خرده مقیاس	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	t	df	sig
حل مسئله	دختران شبه خانواده	۴۶	۲۱/۷	۳/۹۰	۲/۰۸	۳/۰۱۶	۱۱۴	۰/۰۰۳
	دختران خانواده	۷۰	۲۳/۲۵	۳/۴۵				
خوشبختی	دختران شبه خانواده	۴۶	۲۱/۰۲	۵/۳۹	۲/۷۷	۲/۹۸۰	۱۱۴	۰/۰۰۴
	دختران خانواده	۷۰	۲۳/۸۰	۴/۵۶				
استقلال	دختران شبه خانواده	۴۶	۱۸/۹۵	۳/۲۰	۲/۲۲	۳/۰۸	۱۱۴	۰/۰۰۳
	دختران خانواده	۷۰	۲۱/۱۸	۴/۱۵				
تحمل فشار روانی	دختران شبه خانواده	۴۶	۱۷/۶۹	۴/۶۵	۰/۸۹۰	۱/۰۰۶	۱۱۴	۰/۳۱۷
	دختران خانواده	۷۰	۱۸/۵۸	۴/۶۷				
خود شکوفایی	دختران شبه خانواده	۴۶	۲۱/۰۲	۳/۸۴	۲/۲۹	۳/۰۳	۱۱۴	۰/۰۰۳
	دختران خانواده	۷۰	۲۳/۳۱	۴/۰۶				
خودآگاهی هیجانی	دختران شبه خانواده	۴۶	۱۹/۰۴	۴/۲۱	۲/۲۵	۳/۲۴	۱۱۴	۰/۰۰۲
	دختران خانواده	۷۰	۲۰/۳۰	۳/۲۵				
واقع گرایی	دختران شبه خانواده	۴۶	۱۶/۷۸	۳/۳۰	۰/۸۴۶	۱/۱۵۹	۱۱۴	۰/۲۴۹
	دختران خانواده	۷۰	۱۷/۶۲	۴/۱۶				
روابط بین فردی	دختران شبه خانواده	۴۶	۲۱/۹۳	۴/۱۰	۲/۶۷	۳/۲۷	۱۱۴	۰/۰۰۱
	دختران خانواده	۷۰	۲۴/۶۱	۴/۴۳				
خوشبینی	دختران شبه خانواده	۴۶	۲۱/۶۷	۳/۲۰	۲/۰۲	۲/۰۲	۱۱۴	۰/۰۴۵
	دختران خانواده	۷۰	۲۳/۱۲	۳/۸۴				
عزت نفس	دختران شبه خانواده	۴۶	۲۱/۶۰	۴/۴۲	۰/۹۷۷	۱/۱۵	۱۱۴	۰/۲۵۰
	دختران خانواده	۷۰	۲۲/۵۸	۴/۴۷				
کنترل تکانش	دختران شبه خانواده	۴۶	۱۵/۶۷	۵/۱۹	-۰/۹۳۱	-۰/۹۲۵	۱۱۴	۰/۳۷۵
	دختران خانواده	۷۰	۱۴/۷۴	۵/۳۶				
انعطاف پذیری	دختران شبه خانواده	۴۶	۱۸/۰۸	۳/۹۱	۰/۸۶۹	۰/۸۶۹	۱۱۴	۰/۳۸۶
	دختران خانواده	۷۰	۱۸/۷۴	۴/۰۱				
مسئولیت پذیری	دختران شبه خانواده	۴۶	۲۴/۳۶	۴/۱۶	۰/۵۳۰	۰/۸۰۰	۱۱۴	۰/۴۲۵
	دختران خانواده	۷۰	۲۴/۹۰	۲/۹۷				
همدلی	دختران شبه خانواده	۴۶	۲۳/۳۲	۳/۵۰	۱/۴۱	۲/۲۳۱	۱۱۴	۰/۰۲۹
	دختران خانواده	۷۰	۲۴/۷۴	۳/۲۸				
خوددرازی	دختران شبه خانواده	۴۶	۱۶/۸۴	۳/۳۱	۲/۲۳	۲/۹۶	۱۱۴	۰/۰۰۴
	دختران خانواده	۷۰	۱۹/۰۸	۴/۳۴				

خرده مقیاس	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	t	df	sig
درون فردی	دختران شبه خانواده	۴۶	۹۷/۴۷	۱۲/۹۸	۹/۹۹	۳/۶۱	۱۱۴	۰/۰۰
	دختران خانواده	۷۰	۱۰۷/۴۷	۱۵/۵۱				
بین فردی	دختران شبه خانواده	۴۶	۶۹/۶۳	۹/۳۰	۴/۶۲	۲/۸۰	۱۱۴	۰/۰۰۶
	دختران خانواده	۷۰	۷۴/۲۵	۸/۲۴				
سازگاری	دختران شبه خانواده	۴۶	۵۶/۰۴	۶/۹۸	۳/۵۸	۲/۳۲	۱۱۴	۰/۰۲۲
	دختران خانواده	۷۰	۵۹/۶۲	۸/۷۶				
تحمل فشار	دختران شبه خانواده	۴۶	۳۳/۳۶	۸/۳۳	۰/۰۴۱	۰/۰۲۵	۱۱۴	۰/۹۸۰
	دختران خانواده	۷۰	۳۳/۳۲	۸/۸۴				
شادکامی	دختران شبه خانواده	۴۶	۴۲/۶۹	۷/۵۵	۴/۶۱	۳/۳۳	۱۱۴	۰/۰۰۱
	دختران خانواده	۷۰	۴۷/۳۱	۷/۱۱				

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	t	df	sig
دختران مراکز شبه خانواده	۴۶	۲۹۹/۱۰	۳۴/۸۲	۲۳/۰۹	۳/۳۱	۱۱۴	۰/۰۰۱
دختران خانواده	۷۰	۳۲۲/۲۰	۳۷/۹۵				

هوش هیجانی برابر ۳/۳۱ است که نشان دهنده وجود تفاوت معنادار بین دو گروه دخترانی است که در مراکز شبه خانواده

زندگی می کنند با دخترانی که با خانواده خود زندگی می کنند. این تفاوت در سطح ۹۹ درصد اعتماد معنادار بوده و میانگین نمره هوش هیجانی در دختران در مراکز شبه خانواده ۲۳ نمره پایین تر می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی مقایسه ای هوش هیجانی در نوجوانان دختر مراکز شبه خانواده و نوجوانان دختر داخل خانواده می باشد. دختران در مراکز شبانه روزی با دختران در خانواده در خرده مقیاس های حل مسئله، احساس خوشبختی، استقلال، خود شکوفایی، خود آگاهی هیجانی، روابط بین فردی، خوش بینی، همدلی و خود ابرازی تفاوت های معناداری داشتند. در کلیه خرده مقیاس های فوق، نوجوانان دختر مراکز شبه خانواده، میانگین نمره پایین تری نسبت به نوجوانان دختر در خانواده داشته اند. نتایج مقیاس های کلی و میزان تفاوت کل هوش هیجانی بدین صورت است:

- دختران مراکز شبه خانواده در مولفه های درون فردی و بین فردی و همچنین نمره شادکامی، پایین تر از دختران خانواده قرار گرفته اند. نتایج تحقیقات افروز و شیخ زاده (۱۳۹۰) نیز نشان می دهد که با افزایش خوشبختی و خوشبینی و واقع گرایی، شادمانی افزایش می یابد و با کاهش مولفه های هوش هیجانی شادمانی نیز کاهش می یابد.

- میزان کل هوش هیجانی در دختران مراکز شبانه روزی پایین تر از دختران خانواده می باشد. نتایج تحقیق مشابهی که توسط میهالا (۲۰۱۴) بر روی نوجوانانی که با خانواده زندگی می کنند با نوجوانانی که در مراکز نگهداری زندگی می کنند انجام شده است، حاکی بر اینست که نوجوانانی که در خانواده زندگی می کنند از فرصت بهتری برای رشد برخوردار بوده اند و در ارزیابی های عزت نفس و هوش هیجانی نمرات بالاتری نسبت به نوجوانانی که در مراکز نگهداری زندگی می کنند کسب کرده اند (میهالا، ۲۰۱۴).

تحقیقات مختلف نشان داده اند که فقدان رابطه ی گرم و صمیمی با والدین در سال های نخست زندگی می تواند تاثیر عمیقی بر رشد هیجانی و اجتماعی کودک بگذارد (تکینسون و همکاران، ۱۳۷۰؛ استربرگ و دترسون، ۱۹۸۶).

- همچنین در میانگین نمره سازگاری دختران مراکز شبه خانواده پایین تر از دختران خانواده قرار گرفته اند و لیکن این دو گروه دختران از نظر تحمل فشار تفاوت معناداری را نشان ندادند.

- در شاخص سازگاری دختران شبه خانوده با احتمال زیاد میانگین نمره پایین تری نسبت به دختران خانواده داشته اند. نتایج تحقیقات نشان می دهد که بین هوش هیجانی و سازگاری عاطفی و اجتماعی همبستگی معنادار وجود دارد. همچنین کسانی که از دلبستگی ایمن برخوردار بوده اند سبک های تنظیم هیجانی سازگارانه داشته اند. در مقابل کسانی که از دلبستگی ناایمن برخوردار بودند و از سبک های تنظیم هیجانی ناسازگارانه بهره می جستند، دچار ذهنی آشفته، ناتوانی هیجانی و کم بهره از همدلی بودند. خطر مشکلات رفتاری و هیجانی در کودکانی که در نوزادی از والدین خود جدا شده اند، بیشتر می باشد (صفوی و همکاران، ۱۳۸۷؛ ارجمندی، ۱۳۸۳، چاووشیفر، ۱۳۷۹؛ ذراتی و همکاران، ۱۳۸۵).

آذر در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که هوش هیجانی اثر مستقیم و معناداری بر پیشرفت تحصیلی و سبک مقابله مسئله مدار دارد (سپهریان آذر، ۱۳۹۰). همچنین مطالعات نشان می دهد که هوش هیجانی و شخصیت با ارتباطات اجتماعی افراد ارتباط دارد. در واقع افرادی که از حمایت خانواده برخوردار بوده اند، ارتباط خوبی را با دیگران داشته اند و نمرات بالایی در هوش هیجانی کسب کرده اند (پائولو و همکاران، ۲۰۰۲؛ حدادی کوهسار و همکاران، ۱۳۸۵). همانطور که از نتایج تحقیق مشخص است، دختران نوجوان شبه خانواده در خرده مقیاس حل مسئله میانگین نمره پایین تری از دختران خانواده کسب کرده اند.

پیشنهادهای

هدف این تحقیق یافتن ویژگی‌های هوش هیجانی نوجوانان مراکز شبه خانواده در مقایسه با نوجوانان خانواده بود و اینکه که تفاوت‌ها روشن شده است، پیشنهاد می‌شود جهت کاهش این تفاوت‌ها کلیه‌ی افرادی که با نوجوانان مراکز شبه‌خانواده در تماس هستند شیوه‌های ارتباط صحیح، مهارت‌های زندگی و سبک‌های پرورشی را بیاموزند. با توجه به اهمیت توانش‌های هیجانی در جهت ارتقای بهداشت روانی، (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۲) تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب در این زمینه برای نوجوانان مراکز شبه‌خانواده پیشنهاد می‌گردد. نتایج تحقیقات هاشم‌آبادی و باقری (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر رشد آن در نوجوانان تاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین آموزش هوش هیجانی در افزایش بهزیستی روانشناختی و مولفه‌های آن از جمله پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خود مختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد شخصی تاثیر دارد (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۲).

منابع

References:

- Afrooz, Gh. Sheikhzade, E (2011). Relationship between emotional intelligence and social happiness in School of Tehran's students. Journal of Iranian social development studies, 3(2). [In Persian]
- Aghababai, N (2007). Emotional intelligence. Marefat Journal. 16 (119), 80-61. [In Persian]
- Akbarzade, N (2004). Emoyional intelligence. Tehran: Farabi pub. [In Persian]
- Atkinson, R. Atkinson, RC. Smith, E. Daryl, J. (2008). Hillgard's Introduction to psychology, Berahani et al. 13, Tehran: Roshd pub. [In Persian]
- Bahrami, M. (2008). Family and its Pathology. Tabriz: Aidin pub. [In Persian]
- Bar-On, R. (1997). Ameasure of emotional and social intelligence in Chicago. Canadian Journal of Behavioral science, 18, 123-137.
- Bar-On, R., Tranel, D., Denburg, Nl. Bechara, A.(2003). Exploring the neurological substrate of emotional and social intelligence. Brain; 126(Pt 8): 1790-800.
- Bekendam, C. (2001). Dimensions of emotional intelligence: attachments, affect alexithymia and empathy. Des-sertation abstract international, 58, 2109.
- Chavoshi Far, J. Rasool zade Tabatabaei, K (1998). Diffrences between style of encountering on family girls and foster care girls. Journal of psychology, 4(14). 169-184. [In Persian]
- Enayati, E. Omidian, M. Abedi, A (2013). Effectiveness of group emotional intelligence training in gifted students' psychological well-being. Journal of Resaerch in Psychological Health. 7(3). [In Persian]
- Extremere, N., Fernandez-Berroc, P. (2002). Relation of perceived emotional intelligence and health-related quality of life of middle-aged woman. Pschol Rep. 91(1): 45-59.
- Ghanbari Hashem Abadi, B. Bagheri, H. (2006). Evaluating efficacy of Teaching skills of emotional intelligence and increasing in adolescents. Journal of Ferdosi University. [In Persian]
- Golman, D (2003). Emotional intelligence. Parsa, N. Tehran: Roshd pub. [In Persian]
- Hadadi Koohsar, A. Roshan, R. Asghar Nejad Farid, A (2006). Comprison of emotional intelligence and psychological health and relation with emotional relationship in family. Journal of Psychology in Tabriz University. 1(4). [In Persian]
- Jamali Paghale, S. Abedi, A. Aghaei, E. Zare, R (2011). A comprehensive meta-analysis of the relationship between Emotional Intelligence and mental health. Research in Spychological Health. 4(3,4). [In Persian]
- Khaef Elahi, A. Doostar, M. (2003). Demension of emotional intelligence. Journal of management and development. 18. 52-54. [In Persian]
- Khalil Arjmandi, F. (2004). Comparison of emotional intelligence, social skills and progress in gifted children and normal children. Master's thesis, Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- KhosroJavid, M. (2002). Investigation of validity and reliability of Shut questionnaire of emotional intelligence, Master's thesis, Tehran: Tarbiat Moalem University. [In Persian]
- Lopes, PN. Salovey, P., Cote, S., Beers, M.(2005). Emotional regulation abilities and the quality of social interaction. Emotion. 5(1):113-8.

- Lopes, PN, Salovey, P., Straus, R.(2003). Emotional intelligence, personality, and the perceived quality pf social relationships. *Personality and individual differences* 35:641-658.
- Mayer, J. D., Crauso, D. R., Salovey, P. (2000). Emotional intelligence as zeitgeist, as personality, and as mental ability. In R. Bar-On & J.D.A. Parker (Eds.), *The handbook of emotional intelligence* (pp. 92-111). San Francisco: Jossey Bass.
- Mihaela, S. (2014). The effect of the growth environment on the adolescents' self-esteem, general intelligence and emotional intelligence. *Social and behavioral sciences* 127. 864-867.
- Monteiro, S. Matos, A. Oliveira, S. (2015). The moderating effect of gender: traumatic experiences and depression in adolescence. *Social and behavioral sciences*, 165. 251-259.
- Morris, J. Stiven, T. Bryan, S (2008). Emotional intelligence development in adolescents. Kavooosi, F. Tehran: Roshd pub. [In Persian]
- Parvizi, S. Ahmadi, F. Nikbakht NasrAadi, A (2006). Golden Triangle of family, health and adolescent. *Journal of Psychology*. 10(2). [In Persian]
- Rafiei Far, H. Sajadi, H. Narjiha, H. Noori, R. Farhadi, M. Noroozi, S. Shirin Bayan, P. (2008). Methodology of research in addiction and other social deviance: quantitative and qualitative. Tehran: Danje. [In Persian]
- Sabri, M. Alborzi, M. Bahrami, M (2013). Relationship between family, emotional intelligence and creativity in high school students. *Journal of ideas of education*. 9(2). [In Persian]
- Safavi, M. Lotfi, R. Lotfi, M (2008). Relationship between emotional intelligence and social and emotional adaptivity in high school girls in Tehran. *Pajouhande Journal*. 14(5). [In Persian]
- Samadi, M. Rezaie, M (2009). Evaluating role of family in training system from science and religious perspective. *Journal of research in training in Islam*. 19(12). [In Persian]
- Samooie, R (2003). Normalization of Bar-On emotional intelligence questionnaire on Isfahan University's Students. Master's thesis, Isfahan: Universityi of Isfahan. [In Persian]
- Sanati Nia, A. (1991). Toward coaching. Tehran: Behzisti Organization. [In Persian]
- Sayad poor, Z (1997). Evaluating the meaning of family in family children and foster care children. *Journal of psychology*, 3. [In Persian]
- Sepehrian Azar, F. (2013). Relationship between emotional intelligence, Ways of encounter with stress and intelligence with progress in education in Orumie. *Journal of Shahed University*. 9. [In Persian]
- Share, H. Asghar Nejad, A. Yeke YAZdan Doost. R, Tabataaie. M (2006). Relation ship between dimension of emotional intelligence and risk of leaving house. *Journal of social welfare*, 5(21). [In Persian]
- Sharifi, R. (1999). Stable Fmaily. Tehran: Family and teachers pub. [In Persian]
- Tajali, F. Latifian, M (2008). Effect of relation Schema of family on emotional intelligence of adolscents. *Research on family*, 14(4), 407-422. [In Persian]
- Tamanaifar, M. Mansoori nik, A. Firoozi, M (2013). Relationship between emotional health and emotional intelligence of girl who leave haouse and common girls. *Social psychology*, 8(26). [In Persian]
- Vidal, S., Skeem, J., & Camp, J. (2010). Emotional Intelligence: Painting Different Paths for Low-Anxious and High-Anxious Psychopathic Variants. *Law and Human Behavior*, 34, 150-163.
- Yar mohamadian, A. Sharghi Rad, H (2011). Analysis the relationship between emotional intelligence and social adaptibility in adolescents. *Journal of Sociology*. 22(4). [In Persian]
- Yousefi, F. Safari, H (2009). Investigation of relationship between emotional intelligence and quality of life and itd dimension. *Journal of Studies of Psychology*. 5(4). 107-128.[In Persian]
- Zarati, I. Amin Yazdi, A. Azad Falah, P. (2006). Relationship between emotional intelligence and style of attachment. *Journal of cognitive science*. 8(1). [In Persian]